**انترناسیونال ۷۰۷**

**پیرامون مضحكه انتخاباتی رژیم اسلامی**

**گفتگوی نگاه روز با علی جوادی**

**نگاه روز:** با نزدیك شدن موعد انتخابات، هر دو جناح حكومت تلاش دارند كه بیشتر یكدیگر را افشاء كنند و با افشای فسادهای مالی و اقتصادی سعی میكنند طرف مقابل را از میدان بدر ببرند. اینكه این كارزار موجب پیروزی كاندیدای كدام جناح خواهد شد موضوع گفتگوی ما با علی جوادی است.

اصول گرایان چهره معروف و سرشناسی ندارند، اما با پیش انداختن ابراهیم رئیسی كه رابطه خوبی با خامنه ای و سپاه دارد، تلاش میكنند كه حول این شخص متحد شوند. شما شانس جناح اصولگرا را در انتخابات آتی چگونه می بینید؟

**علی جوادی:** اجازه دهید قبل از اینكه به پاسخ سئوال شما بپردازم مختصرا به این نكته اشاره كنم كه ابراهیم رئیسی كیست؟ رئیسی یكی از جنایتكارترین، یكی از منفورترین، یكی از ضد انسانی ترین افراد حكومت اسلامی است. رئیسی را باید در كنار لاجوردی و كچویی و پورمحمدی و سایر جلادانی این حكومت قرار داد كه هنوز لخته های خون بهترین انسانهای این جامعه در زیر ناخنهایشان موجود است. رییسی در كشتار و قتل عام دهه شصت و مشخصا سال شصت و هفت نقش تعیین كننده و مهمی در صدور احكام اعدام و كشتار نیروهای اپوزیسیون ایفاء كرد. حتی امثال منتظری كه عمری برای شكل گیری یك حكومت كثیف اسلامی تلاش كردند، او را در زمره جنایتكارترین چهره های تاریخ اواخر قرن بیستم قلمداد كردند. رئیسی از اعضای هیات مرگ بود. رئیسی عضوی از هیات مرگ است كه ذره ای ندامت از گذشته خونین خود ندارد. بارها تاكید كرده است كه اگر همان تاریخ تكرار شود، دو باره همان احكام را صادر خواهد كرد، همان جنایات را تكرار خواهد كرد. ابراهیم رئیسی چنین تاریخی دارد. و امروز اگر چنین فردی به جلوی صحنه آورده شده است، این اقدام معنا و پیام خاص سیاسی و روشنی دارد. ابراهیم رئیسی كاندیدای جناح مرگ و اعدام و طناب دار در حكومت اسلامی است.

اما برای اینكه به شانس چنین فردی در مضحكه انتخاباتی حكومت اسلامی پرداخت، باید تاكید كرد كه كسی از صندوقهای رای حكومت اسلامی بیرون آورده میشود، الزاما حاصل آرای به صندوق ریخته شده مردمی كه با هر انگیزه ای و نیتی در این مضحكه شركت میكنند، نیست. بلكه حاصل بند و بست و توافقها و توطئه ها و ترفندهایی است كه هر جناح مستقلا و یا هر دو جناح مشتركا انجام میدهند. این فاكتورها در تعیین اینكه كدامیك از این اوباش مرتجع سر از صندوق در می آورند، نقش اساسی دارند. اینكه پرده آخر این مراسم مذهبی چگونه رقم خواهد به فاكتورهای متفاوتی از جمله در ارزیابی هر جناح از موقعیت خود و كلیت حكومت اسلامی در قبال جامعه و مردمی است كه حكم به سرنگونی شان داده اند و در كمین این حكومت نشسته اند. اما در هر حال حضور رئیسی برای جناح راست كه در دوره های اخیر در استیصال و سردرگمی قرار داشته و نتوانسته است صفوف پراكنده و بهم ریخته خود را جمع و جور كند، بمثابه نوری در انتهای تونل است. بنظر میرسد كه این بار شاید بتوانند به درجاتی صفوف خود را جمع كنند و به دور رئیسی حلقه بزنند. امید نیروها و باندهای متعدد این جناح در آن است كه شاید سایر كاندیداهای این جناح به نفع رئیسی در مرحله ای از این پروسه مسخره به نفع او كناره گیری كنند. صحبت از این است كه این نمایش مضحك را دو مرحله ای كنند. در دور اول برای شكستن رای كاندیدای جناح رقیب، روحانی، چند كاندیدا را به جلو بیندازند تا شاید رای طرف مقابل را بشكنند و كار را به دور دوم بكشانند. و در دور دوم زورشان را با انواع دسیسه و توطئه كاندیدای خودشان را از صندوقهای رای بیرون بیاورند. (و امروز این نكته را باید اضافه كرد كه ثبت نام احمدی نژاد در این دوره ویژگی دیگری به این مضحكه بخشیده است. بنظر من احمدی نژاد كاندیدای جدی ای در این مراسم نیست. برای پیروزی به میدان نیامده است، نیروی تخریب یك بالانس سیاسی است. هدفش ریزش نیروهای دیگر است. نتیجه شركت و ثبت نام اش مستقل از هر نیتی كه داشته باشد، تغییر توازن قوای جناحها به نفع جناح راست است. میخواهد نقش ایفا كند تا بعدا سهم خواهی كند. احمدی نژاد پوپولیست – اسلامیست مرتجع تیر خلاص زنی است كه پیروزی ترامپ نور امیدی در رگهایش دمیده است و با جسارت باز به میدان آمده است.)

جناح راست یكی از قاتلان عمامه بسر خود را به میدان فرستاده است. همین واقعیت نشان دهنده این است كه جناح راست مخاطراتی را كه حكومت اسلامی با آن مواجهه است را بو كشیده است. اینها دارند شمشیر خونین اسلام را از رو می بندند، دارند چهره های روزهای طوفانی و مهلك خود را مجددا به میدان می آورند تا چند صباح دیگری به عمر این حكومت سیاه بیافزایند. من تردیدی ندارم كه مردم با "نه" خود تو دهنی محكمی به این كاندیدا و كل این مراسم مضحك خواهند زد. اعتراض فعال، عدم شركت در این مضحكه، خراب كردن این مضحكه بر سر مجریان آن، پاسخ مردم سرنگونی طلب به این مراسم شنیع مذهبی است.

خلاصه كنم، بررسی شانس این جناح برای پیروزی محصول ارزیابی از آراء مردم در جامعه نیست. در یك جامعه اسلام زده، استبداد زده، برای پی بردن به روندهای سیاسی آتی باید به نقش و جایگاه نیروها و باندهای مافیایی حاكم و ابزارهایی كه برای شكل دادن به پیروزی خود در دست دارند، نگاه كرد. آراء مردم، حتی زرورق این مضحكه هم نیست. رای مردمی كه در این مراسم شركت میكنند، حتی به اندازه كاغذهای جعبه های پرتقال هم ارزش ندارد.

**نگاه روز:** روحانی برای بار دیگر كاندیدای ریاست جمهوری است. وضعیت اصلاح طلبان در این دوره چگونه است؟

**علی جوادی:** هیچ شور و شوق و تحرك قابل مشاهده ای در صفوف اصلاح طلبان و اعتدال طلبان مشاهده نمیشود. سابقه چهار ساله حكومت روحانی، چهارسال حكومت اعدام و سركوب، چهارسال تداوم حكومت فقر و فلاكت و بی حقوقی و نابرابری این صف هیچگونه شور و شوق و امیدی حتی برای نیروها و پاسدار – ژورنالیستهای وقیح این جریان باقی نگذاشته است. روحانی و كلیدش و وعده و وعیدهای پوچ اش، دیگر قدرت عوامفریبی چندانی ندارند. بار دیگر نشان داده شد كه وعده های اصلاح طلبی حكومت اسلامی تماما پوچ است. بار دیگر اثبات شد كه این حكومت اصلاح پذیر نیست. و حتی اگر هم اصلاح شود، كسی روی خوشی به این هیولای اسلامی بزك شدن نشان نخواهد داد. چرا كه یك هیولای اصلاح شده كماكان یك هیولا است. نتیجتا اصلاح طلبان هم در موقعیت مناسبی حتی نسبت به چهارسال پیش خود هم قرار ندارند. تضعیف شده و رنگ و رو باخته ترند. چهره اول این اوباش خط امامی در "سایه" قرار دارد. ممنوع الچهره است. رفسنجانی كه "ستون" نظام و این جریان بود، به سفری نابرگشتنی رفته است. حال این جناح هم چندان تعریفی ندارد.

با توجه به این وضعیت، اصلاح طلبان و اعتدال طلبان حكومتی و اپوزیسیون پرو رژیم تمام سمبه تبلیغاتی خود را بر این راستا قرار داده اند كه باید در مقابل رئیسی و كارنامه اش، به كاندیدای این جناح رای داد. اینها قید رای به كاندیدای جناح خود را به اعتبار سیاستهای خودشان زده اند، امیدشان به رای و سیاست "نه" به كاندیدای رقیب است. میدانند كه به اعتبار وعده های عوامفریبانه خود شانسی ندارند. روی سیاست تو دهنی زدن به رقیب حساب باز كرده اند. مذبوحانه میكوشند كه یك "دو قطبی" كاذب ایجاد كنند. دو قطبی ای كه در یك سوی آن روحانی و در سوی دیگر رئیسی قرار دارد. اما آیا مردم فراموش كرده اند كه یار و همپیان رئیسی در هیات مرگ، وزیر دادگستری همین جماعت است؟ اینها هر دو بخشهای یك پیكر واحدند. هر دو برای بقاء حكومت اسلامی به میدان آمده اند. تفاوت این اوباش "قطبی" نیست، میكروسكپی است.

به هر حال جناح اصلاح طلب و اعتدال طلب حكومتی هر چند به دور روحانی تجمع خواهند كرد، اما تكرار میكنم، شور و شوقی در این صفوف موجود نیست. میدانند كه بنا به سیاستهای خود اعتباری در جامعه ندارند. اما كماكان و از سر استیصال بر طلب اصلاح حكومت اسلامی خواهند كوبید. این یك ركن اصلی استراتژی بازی و رقابت با برادران خود در جناح راست است.

**نگاه روز:** هر دو جناح و كلیت نظام مستقل از رقابتها و كشمكشها و بند و بستهایشان، قصدشان این است كه مردم را به پای صندوقهای رای بكشانند. بنظر شما در این دوره رژیم و جناحهایش از چه حربه های بای به پای صندوق رای كشیدن مردم استفاده خواهند كرد؟

**علی جوادی:** دو حربه اساسا در اختیار دارند. جناح روحانی تلاش میكند كه با جامعه "عكس بگیرد"، تلاش میكند خود را به درجه ای با خواست مردم نزدیك نشان دهد. میكوشند كه خود را مجرایی برای پیشروی خواستهای مردم مطرح كنند. در این كار هم نسبتا استادند. كلا جماعت آخوند و مذهبی قدرت قابل ملحاظه ای در عوامفریبی و وعده و وعید دارند. ببینید، اینها جماعتی هستند كه داستان خر دجال و امام زمان و جبرئیل و معراج محمد را به مردم فروخته اند. اینها فروشندگان هنرمندی در فروش جهل و خرافه اند. حتی در كوه هم حاضرند با جوانانی "عكس بگیرند". تازگی حتی صحبت از این كرده اند كه كسی حق ندارد به حریم خصوص مردم تعرض كند، حتی اگر مشروب خورده باشید، كسی حق دخالت ندارد و خزعبلاتی از این قرار. گویا مردم این جماعت تیغ كش را نمیشناسند. جامعه میداند كه اینها با جامعه ای كه سنتهای كثیف اسلامی را زیر پا میگذارند، چه برخوردی میكنند. اما همین جامعه هر روزه مشغول مقابله با این جهاد اسلامی است. ما دیده ایم كه اینها با جامعه ای كه میخواهد امروزی و آزاد و برابر و مرفه زندگی كند، چه ها كرده اند. این تاریخی است كه هر روزه تكرار میشود. این سیاست جناح روحانی است. تلاش میكنند ذره ای خود را به خواستهای مردم نزدیك نشان دهند. به این امیدند كه مردم به جماعت اوباش دخیل ببندند. بر این تصور پوچ اند كه گویا نقطه سازشی میان مردم و این صف آدمكشان و دزدان اسلامی موجود است. این حربه اصلی شان است. از طرف دیگر میكوشند تا مردم را از "ترس" رئیسی به صف خود بكشانند.

اما در طرف دیگر جناح مقابل هم خشن ترین و ضد انسانی ترین و قاتل ترین قاتلین خود را به میدان آورده است. اقدامشان ناشی از استیصالشان در قبال جامعه است. از مخاطراتی كه بالای سر حكومتشان قرار گرفته است به هراس افتاده اند. دارند اعلام میكنند كه بدون تردید تمامیت توحش اسلامی را برای حفظ حكومتشان به كار خواهند گرفت. و كوچكترین تردیدی در این چهارچوب به خود راه نخواهند داد. این حربه شان است. میخواهند جامعه را مرعوب كنند. با این حساب میخواهند صفشان را یكپارچه كنند و نیروهایشان را برای انواع توطئه و بند و بستی آماده كنند.

اینها اهرم ها و سیاستهایی است كه جناحها برای به میدان كشیدن بخشهایی از مردم و آماده سازی نیروهای خودشان برای انواع اقدامات پشت پرده ای آماده میكنند.

**نگاه روز:** در هر حال پرونده هر دو جناح برای مردم روشن است، فكر میكنید كه مردم چه عكس العملی باید در قبال این اوضاع از خودشان نشان دهند؟

**علی جوادی:** من فكر میكنم كه مردم باید سیاست فعال و رادیكال اعتراضی در قبال این مضحكه اتخاذ كنند. نباید به تحریم و عدم شركت در این مضحكه بسنده كنند. سیاست تحریم حتی بیانگر نوعی توهم به كلیت و مبانی حكومت اسلامی است. باید سیاست اعتراضی فعالی را دنبال كرد. باید به هر درجه كه میتوان كل این مراسم مضحك را افشاء و بی آبرو كرد. اعتراض فعال، اعتراض فعال، اساس سیاست ما در این راستا است.

مردمی كه برای روز شیرین سرنگونی رژیم اسلامی روز شماری میكنند، باید در اعتراضات و اعتصابات و تحركات سیاسی – اعتراضی خودشان در این دوره شدت بیشتری ببخشند. باید از این فضا برای عقب راندن رژیم و تحمیل مطالبات و افشای همه جانبه رژیم اسلامی بهره جست. این دوران باید دوران اعتراض مستقیم و رو در رو با رژیم اسلامی باشد. جامعه باید با تشدید و گسترش اعتراضش رای دهد، باید با پاهای خود در اعتراض و مبارزه مستقیم رای دهد. رای مردم، سرنگونی رژیم اسلامی است. خواست قلبی مردم دستیابی به آزادی و برابری و رفاه همگان است.